فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره بیست و سوم. تابستان ۱۳۹۷، صص۲۹۵-۲۷۳ Vol 2. No 23. 2018, p 273-295
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

سیاست کیفری ایران در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در قبال حمایت از بزه دیده گان

حمزه رضایی[۱]. اسماعیل صفری[۲]
۱. دانشجوی دکترای حقوق جزا وجرم شناسی- مدرس دانشگاه
h.rezaii98@gmail.com
۲. کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام. ایران

چکیده
سیاست جنایی ایران در قبال حمایت ازحقوق بزه دیده در فرآیند دادرسی کیفری موضوعی است که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است. پس از طرح مفهوم بزه دیده و حق های در نظر گرفته شده برای آنان باید دانست حق های ماهوی در قالب مقررات شکلی و ماهوی از جمله آیین دادرسی کیفری در هر کشور از جمله در ایران در نظر گرفته شده اند. این حقوق در قالب سیاست های جنایی افتراقی در فرآیند دادرسی کیفری برای اشخاص بزه دیده در قالب حق های ویژه و خاص مقرر گشته اند. در قانون جدید آیین دادرسی کیفری ایران مصوب ۱۳۹۲، قانونگذار رویکرد بزه دیده محور به اشخاص درگیر در فرآیند دادرسی داشته و حق های ویژه ای را در قالب سیاست های ترجحی، اقتداری و امتیازی برای آنان منظور کرده که در این مقاله به شرح آن اشاره خواهد شد.

در قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ توازنی میان حقوق شاکی و متهم برقرار ساخته و در عمل امکان تامین حقوق بزه دیده را بیش از پیش فراهم ساخته است. در ماده ۱۴ قانون، امکان جبران زیان‌های معنوی شاکی نیز فراهم شده است که دستاوردی مهم برای تامین حقوق بزه دیده است. در ماده ۳۸ قانون نیز ضابطان دادگستری مکلف به آگاه کردن شاکی از معاضدت های قانونی و حقوقی لازم شده‌اند. همچنین در مواد گوناگون قانون از جمله مواد۴۰ و۹۷ و۱۰۱برای حمایت از شاکی در برابر تهدیدات احتمالی و نیز حفظ اطلاعات شخصی وی تاکید شده است.

واژه‌های کلیدی: بزه دیده، دادرسی کیفری، سیاست جنایی افتراقی، حقوق انسانی، آیین دادرسی کیفری

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

۱-۱ مبحث اول

تعریف واژه‌ها و اصطلاحات فنی و تخصصی

در این قسمت تعاریف و مفاهیم مرتبط با این مقاله مورد بررسی قرار خواهند گرفت. این تعاریف در واقع معنی شناسی مفاهیم و واژگان کلیدی به کار رفته در این مقاله می باشند.

۱-۱-۱ تعریف حمایت

حمایت واژه ای است عربی که از این زبان به زبان فارسی راه یافته است. در کتاب های لغت فارسی حمایت به معنی ماوی، ملجا و در امنیت و آسایش قرار داشتن به کار رفته است (معین، ۱۳۷۵، ۲۱۳۷). در زبان انگلیسی برا حمایت واژه **protection** را به کار برده اند که همان معانی از آن استنباط می شود. به طور کلی در نظام عدالت کیفری که مورد بحث ما می باشد حمایت به معنی مجموعه سازوکارهایی به کار بسته می‌شود که برای صیانت از حقوق انسان های درگیر در نظام عدالت کیفری به کار می روند.

۱-۱-۲ تعریف بزه دیده

«بزه‌دیده»[1]از مشتقات **victim**و در اصطلاح به شخصی گفته می‌شود که به دنبال رویداد یک جرم، آسیب یا آزار می‌بیند. در یک تعریف آمده است «بزه‌دیده کسی است که یک خسارت قطعی، آسیبی به تمامیت شخصی او وارد آورده است و اکثر افراد جامعه هم به این مسئله اذعان دارند.» (محمدی، ۱۳۷۹، ۹۶) در واقع بزه‌دیده به جهت یک عمل جنایی، متحمل آسیب شده و این آسیب می‌تواند به اشکال گوناگون مالی، بدنی، عاطفی، روحی و. . . باشدبرای مثال شخصی که حمله خشونت‌آمیز، تجربه آزار جنسی یا سرقت را دارد، بزه‌دیده تلقی می‌شود. در مواقعی اعضای خانواده فرد نیز قربانی یا بزه‌دیده می‌شوند و ازاین‌روست که گفته شده عمل مجرمانه ممکن است بزه‌دیدگان متفاوتی داشته باشد. از بعد حقوق بشری، بزه‌دیده به‌صورت واقعی و مستقیم به‌وسیلهٔ فعل یا عقیده مورد تعرض قرار گرفته و باید از حقوق حمایتی بهره‌مند شود. «کنوانسیون اروپایی حمایت از بزه‌دیدگان جرائم خشونت‌آمیز» و «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر» بر این مهم تأکید کرده‌اند که بزه‌دیده در حالت خطر قرار دارد و باید متمتع از حقوق حمایتی باشد. آسیبی که به بزه‌دیده وارد می‌شود ممکن است ناشی از فعل یا ترک فعل باشد؛ اما عنصر دیگری که در تعریف بزه‌دیده باید لحاظ شود آن است که وی به لحاظ ارتکاب عمل مجرمانه شدیداً رنج می‌برد. بدین لحاظ می‌توان گفت بزه‌دیده شخصی است که از یک حمله خشونت‌آمیز، یک تجربه آزار جنسی یا سرقت آسیب می‌بیند (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰، ۱۵).

وضعیت خاص اطفال مانند کم‌سن‌وسال‌بودن، وابستگی روانی و عاطفی به دیگر اعضای خانواده ازجمله پدر و مادر، فقر، نیاز به توجه و محبت در کودکی و. . . و همچنین عوامل محیط و هم‌نشینی با هم‌سن و

1. Victime

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

سالان کج رو و. . . ما را به این امر رهنمون می‌سازد که نگاهمان به کودک به‌عنوان بزه‌دیده و قربانی جرم و نه بزهکار معطوف باشد قربانی‌شدن به واسطه یکی از عوامل مذکور، زمینه‌ای است برای بزهکاری و به تعبیری می‌توان بزه‌دیدگی را مقدمه و زمینه‌ساز بزهکاری اطفال دانست.

با وجود این، ممکن است شخصی درعین‌حال هم بزهکار و هم بزه‌دیده واقع شود؛ مثلاً در منازعات و جرائم رانندگی طرفین هم بزهکار و هم بزه‌دیده هستند. این مورد به‌ویژه در آشوب‌ها و شورش‌ها و اختلال‌های اجتماعی بروز می‌کند (گودرزی، ۱۳۸۲، ۱۰۴).

۳-۱-۱ تعریف فرآیند

فرآیند پروسه یا روند که در زبان انگلیسی معادل **Process** برای آن به کار می رود به دنباله‌ای از تغییرات رخ‌دهنده در ویژگی‌های یک سیستم یا شیء گفته می‌شود. این تغییرات می‌توانند به طور طبیعی رخ دهند یا طراحی‌شده باشند. پس در کل فرایند به مجموعه فعالیت‌های به هم پیوسته‌ای اطلاق می‌شود که برای ایجاد یک یا چند تغییر تعریف شده طراحی و پیاده شده‌است. در ضمن هر فرایند با یک فعالیت مشخص آغاز و با یک فعالیت مشخص نیز پایان می‌یابد. تشخیص این فعالیت‌ها از اهمیت ویژه‌ای برای شناسایی فرایند برخوردار است. به منظور تأکید بر ضرورت تشخیص فعالیت‌های آغاز کننده و خاتمه دهنده، فرایند را به عنوان مجموعه فعالیت‌های به هم پیوسته‌ای که با یک فعالیت مشخص آغاز می‌شود و با یک فعالیت مشخص پایان می‌یابد، نیز تعریف کرده‌اند.

٤-۱-۱ تعریف دادرسی کیفری

آیین دادرسی کیفری یکی از رشته های مهم علوم جنایی است که به مطالعه سازمان و تشکیلات مراجع قضایی و نحوه رسیدگی به آنها می پردازد. در یک تعریف ساده می‌توان گفت که آیین دادرسی کیفری مجموعه اصول و مقرراتی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم و تحقیق از او، تعیین صلاحیت و روش کار مراجع تحقیق و حکم و همچنین تجدید نظر از تصمیمات آنها و سرانجام چگونگی اجرای احکام کیفری وضع شده می پردازد (خالقی، ۱۳۹۱، ۱۱).

۵-۱-۱ تعریف بزه دیده شناسی حمایتی

مرحوم کی نیا معتقد است: «بزه دیده شناسی یا شناخت بزه دیده، شاخه جدیدی از جرم شناسی است که به بررسی قربانی مستقیم جرم میپردازد. بنابراین، شناخت بزه دیده و آنچه که به او مربوط می‌شود، موضوع این دانش نوین است. در این دانش، شخصیت، صفات زیستی، روانی، اخلاقی و خصوصیات اجتماعی و فرهنگی بزه دیده و سهم او در تکوین جرم و رابطه اش با مجرم مورد بررسی قرار می‌گیرد» (کی‌نیا؛ ۱۳۷۰، ۱۲).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

بزه دیده شناسی دانشی است که به دو شاخه علمی و حمایتی تقسیم می‌شود. مراد از بزه دیده شناسی علمی، بررسی نقش بزه دیده در تکوین فرآیند جرم است. اما در بزه دیده شناسی حمایتی یا ایدئولوژیک و یا سیاسی، سخن از آن است که فارغ از نقش بزه دیده در تکوین جرم، او نیازمند توجه و حمایت است. گرچه حمایت از بزه دیده طیف وسیعی از اقدامات را همچون حمایت پزشکی، روانی، اجتماعی، حقوقی و. . . . در بر دارد، اما بی‌گمان مهم‌ترین حمایت، حمایت اقتصادی یعنی جبران خسارت بزه دیده است و حتی در دوره‌ی دادگستری عمومی، محل توجه قانون‌گذاران و حاکمان بوده است و امروزه با ابعاد تازه در پرتو جنبش‌های حمایت از بزه دیدگان که متأثر از آموزه های مختلف همچون بزه دیده شناسی حمایتی و میانجیگری کیفری و به خصوص عدالت ترمیمی است (حاجی ده‌آبادی؛ ۱۳۸۹؛ ۹۶)

امروزه با ظهور پدیده ی بزه دیده شناسی شاهد رویکرد متفاوتی نسبت به قربانیان جرم در گذشته می‌باشیم. در این سیاست جدید، چشم انداز نوینی با عنوان حمایت از بزه دیدگان و نقش آنان در تحقق پدیده مجرمانه ظهور کرده است. طرفداران بزه دیده شناسی حمایتی یا ثانویه، با این استدلال که بزه دیده یا افراد تحت تکفل و وابسته به او، در هر مراحل بزه دیدگی را تجربه کرده‌اند و با تحمل جرم دچار مشکلات مادی، معنوی و بعضاً روانی و عاطفی شده‌اند، اعتقاد دارند که جامعه به طور کلی و نظام کیفری به ویژه، باید در سیاست‌گذاری‌ها و جهت‌گیری‌های تقنینی، قضائی خود، مصالح و منافع بزه دیدگان را پیش از گذشته مورد توجه قرار دهند و به جبران خسارت مادی او آن هم از طریق تشریفات طولانی فرآیند کیفری و مجازات بزه‌کار برای تسکین و تشفی خاطر بزه دیدگان بسنده نکند (رایجیان اصلی؛ ۱۳۸۱، ۱۳).

بنابراین حساسیت موضوع حمایت از بزه دیده ضرورت توجه به نقش و جایگاه بزه دیده در این فرآیند و تحقق سیاست حمایت از بزه دیده را نمایان می‌سازد. چرا که ارتکاب جرم و رخداد بزه دیدگی در واقع منجر به مراجعه بزه دیده به دستگاه عدالت کیفری می‌شود.

٦-١-١ حمایت افتراقی از بزه دیدگان خاص

تردیدی نیست که بزه دیدگان در جریان انداختن فرآیند عدالت جنایی نقش مهمی ایفاء می‌کنند و اجرای عدالت تنها در گرو به کیفر رساندن بزه‌کار بر پایه یک دادرسی عادلانه نیست بلکه نیازمند به رسمیت شناختن بزه دیده و حقوقی برای او در چارچوب یک رفتار منصفانه است (رایجیان اصلی؛ ۱۳۹۰؛ ۹۶).

حمایت از بزه دیدگان ناتوان یکی از اقداماتی است که در برنامه سیاست جنایی گنجانده شده است و به تدوین قانون مبنی به حمایت خاصی از اقشار که وضعیت خاصی نسبت به دیگران دارند و یا به عبارتی به هر نحوی دچار نقص «جسمی، روحی، روانی، » هستند، مانند افرادی که دچار نقص عقلی و حسی هستند مانند مجانین مانند نابینایان، یا افرادی که دچار نقص فیزیولوژی هستند. مانند سالمندی که از نظر جمعی ناتوان است و اصولاً درون خانواده و جامعه علیه او، انواع خشونت و تبعیض رخ می‌دهد و همچنین طفلی که از نظر سن، ویژگی‌های بدنی، روانی، و شخصیتی با بزرگسالان متفاوت است، در زمره آسیب پذیران

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

شمرده می‌شود و قانون‌گذار هم باید حمایت‌های خاص خود را که اصولاً حمایت‌های کیفری افتراقی و یا ویژه است شامل این اقشار آسیب پذیر بکند (زکوی؛ ۱۳۹۰؛ ۵۳).

از لحاظ ماهوی و شکلی، حساس سازی حقوق کیفری در مورد جرائم ارتکابی علیه بزه دیدگان ناتوان، از این جهت حائز اهمیت است که حقوق کیفری را نسبت به مراحل کشف و تعقیب و دادرسی در مورد جرائم ارتکابی علیه ناتوانان و نیز تشریفات دادرسی حساس کرده و به عنوان مثال، آموزش به ضابطین را از رهگذر و مقرر کردن رهنمودهایی در مورد شیوه‌ی رفتار برخورد با بزه دیدگان ناتوان و شناسایی نیازها و انتظارات آنان می‌دانند. استفاده از ضابطین متخصص برای کشف و تعقیب جرائم ارتکاب یافته علیه ناتوانان، برآوردن مطالبات و خواسته‌های آن‌ها در حد امکان، که در پایین آوردن رقم سیاه بزه‌کاری در جرائم ارتکابی علیه بزه دیدگان ناتوان کمک مؤثری می کند (زکوی؛ ۱۳۹۰؛ ۱۳۱).

بزه دیده شناسی حمایتی در راستای تحقق بخشیدن به همه ی ابعاد اندیشه‌های محوری خود، که همانا معطوف کردن توجه عدالت کیفری به حقوق و نیازهای بزه دیدگان است. سیطره چتر حمایت خود را تا حد امکان از رهگذر تخصصی کردن ساز و کارهای جبرانی و حمایت، بر همه ی اقشار آسیب پذیر جامعه که بزه دیده تشدید یا در معرض خطر بزه دیدگی قرار دارند، گسترش می‌دهد. قانون‌گذار کشور ما نیز در تدوین قانون آ. د. ک به این نوع از حمایت افتراقی از بزه دیدگان خاص پرداخته است. از جمله این تدابیر و نیازهای ناتوانان در حقوق جزای شکلی عبارتند از:

ـ غیر قابل گذشت بودن جرایم علیه ناتوانان و عدم نیاز به شکایت شاکی خصوصی

ـ بکار گیری افراد خبره متناسب با نوع ناتوانی آنان؛ بزه

قانون‌گذار در قانون جدید به حمایت خاصی از این اقشار ناتوان پرداخته است که نشان دهنده‌ی توجه قانون‌گذار به تمامی اقشار بزه دیده است با توجه به ظهور علوم جرم شناسی و بزه دیده شناسی و تحت تأثیر قرار دادن بسیاری از علوم جنایی به خود سبب شده است بسیاری از دادرسی‌های کشور اسلامی ما، متأثر از این علم باشد که منطبق با موازین شرعی و اصول مسلم اسلامی است. در ادامه این بحث به تحلیل بزه دیده شناسی چندین ماده از ق. آ. د. ک که مختص به حمایت از بزه دیدگان خاص است می‌پردازیم ولی با وجود این، بهتر بود که در این ماده از نابینایان نیز نام برده می‌شد.

۷-۱-۱ تعریف بزه دیده شناسی حمایتی

مرحوم کی نیا معتقد است: «بزه دیده شناسی یا شناخت بزه دیده، شاخه جدیدی از جرم شناسی است که به بررسی قربانی مستقیم جرم می‌پردازد. بنابراین، شناخت بزه دیده و آنچه که به او مربوط میشود، موضوع این دانش نوین است. در این دانش، شخصیت، صفات زیستی، روانی، اخلاقی و خصوصیات اجتماعی و فرهنگی بزه دیده و سهم او در تکوین جرم و رابطه اش با مجرم مورد بررسی قرار می گیرد» (کی‌نیا؛ ۱۳۷۰، ۱۲).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

بزه دیده شناسی دانشی است که به دو شاخه علمی و حمایتی تقسیم می‌شود. مراد از بزه دیده شناسی علمی، بررسی نقش بزه دیده در تکوین فرآیند جرم است. اما در بزه دیده شناسی حمایتی یا ایدئولوژیک و یا سیاسی، سخن از آن است که فارغ از نقش بزه دیده در تکوین جرم، او نیازمند توجه و حمایت است. گرچه حمایت از بزه دیده طیف وسیعی از اقدامات را همچون حمایت پزشکی، روانی، اجتماعی، حقوقی و. . . . در بر دارد، اما بی‌گمان مهم‌ترین حمایت، حمایت اقتصادی یعنی جبران خسارت بزه دیده است و حتی در دوره‌ی دادگستری عمومی، محل توجه قانون‌گذاران و حاکمان بوده است و امروزه با ابعاد تازه در پرتو جنبش‌های حمایت از بزه دیدگان که متأثر از آموزه های مختلف همچون بزه دیده شناسی حمایتی و میانجیگری کیفری و به خصوص عدالت ترمیمی است (حاجی ده‌آبادی؛ ۱۳۸۹؛ ۹۶)

امروزه با ظهور پدیده ی بزه دیده شناسی شاهد رویکرد متفاوتی نسبت به قربانیان جرم در گذشته می‌باشیم. در این سیاست جدید، چشم انداز نوینی با عنوان حمایت از بزه دیدگان و نقش آنان در تحقق پدیده مجرمانه ظهور کرده است. طرفداران بزه دیده شناسی حمایتی یا ثانویه، با این استدلال که بزه دیده یا افراد تحت تکفل و وابسته به او، در هر مراحل بزه دیدگی را تجربه کرده‌اند و با تحمل جرم دچار مشکلات مادی، معنوی و بعضاً روانی و عاطفی شده‌اند، اعتقاد دارند که جامعه به طور کلی و نظام کیفری به ویژه، باید در سیاست‌گذاری‌ها و جهت‌گیریهای تقنینی، قضائی خود، مصالح و منافع بزه دیدگان را پیش از گذشته مورد توجه قرار دهند و به جبران خسارت مادی او آن هم از طریق تشریفات طولانی فرآیند کیفری و مجازات بزه‌کار برای تسکین و تشفی خاطر بزه دیدگان بسنده نکند (رایجیان اصلی؛ ۱۳۸۱، ۱۳).

بنابراین حساسیت موضوع حمایت از بزه دیده ضرورت توجه به نقش و جایگاه بزه دیده در این فرآیند و تحقق سیاست حمایت از بزه دیده را نمایان می‌سازد. چرا که ارتکاب جرم و رخداد بزه دیدگی در واقع منجر به مراجعه بزه دیده به دستگاه عدالت کیفری می‌شود.

۸-۱-۱ حمایت افتراقی از بزه دیدگان خاص

تردیدی نیست که بزه دیدگان در جریان انداختن فرآیند عدالت جنایی نقش مهمی ایفاء می‌کنند و اجرای عدالت تنها در گرو به کیفر رساندن بزه‌کار بر پایه یک دادرسی عادلانه نیست بلکه نیازمند به رسمیت شناختن بزه دیده و حقوقی برای او در چارچوب یک رفتار منصفانه است (رایجیان اصلی؛ ۱۳۹۰؛ ۹۶).

حمایت از بزه دیدگان ناتوان یکی از اقداماتی است که در برنامه سیاست جنایی گنجانده شده است و به تدوین قانون مبنی به حمایت خاصی از اقشار که وضعیت خاصی نسبت به دیگران دارند و یا به عبارتی به هر نحوی دچار نقص «جسمی، روحی، روانی، » هستند، مانند افرادی که دچار نقص عقلی و حسی هستند مانند مجانین مانند نابینایان، یا افرادی که دچار نقص فیزیولوژی هستند. مانند سالمندی که از نظر جمعی ناتوان است و اصولاً درون خانواده و جامعه علیه او، انواع خشونت و تبعیض رخ می‌دهد و همچنین طفلی که از نظر سن، ویژگی‌های بدنی، روانی، و شخصیتی با بزرگسالان متفاوت است، در زمره آسیب پذیران

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

شمرده می‌شود و قانون‌گذار هم باید حمایت‌های خاص خود را که اصولاً حمایت‌های کیفری افتراقی و یا ویژه است شامل این اقشار آسیب پذیر بکند (زکوی؛ ۱۳۹۰؛ ۵۳).

از لحاظ ماهوی و شکلی، حساس سازی حقوق کیفری در مورد جرائم ارتکابی علیه بزه دیدگان ناتوان، از این جهت حائز اهمیت است که حقوق کیفری را نسبت به مراحل کشف و تعقیب و دادرسی در مورد جرائم ارتکابی علیه ناتوانان و نیز تشریفات دادرسی حساس کرده و به عنوان مثال، آموزش به ضابطین را از رهگذر و مقرر کردن رهنمودهایی در مورد شیوه‌ی رفتار برخورد با بزه دیدگان ناتوان و شناسایی نیازها و انتظارات آنان می‌دانند. استفاده از ضابطین متخصص برای کشف و تعقیب جرائم ارتکاب یافته علیه ناتوانان، برآوردن مطالبات و خواسته‌های آن‌ها در حد امکان، که در پایین آوردن رقم سیاه بزه‌کاری در جرائم ارتکابی علیه بزه دیدگان ناتوان کمک مؤثری می کند (زکوی؛ ۱۳۹۰؛ ۱۳۱).

بزه دیده شناسی حمایتی در راستای تحقق بخشیدن به همه ی ابعاد اندیشه‌های محوری خود، که همانا معطوف کردن توجه عدالت کیفری به حقوق و نیازهای بزه دیدگان است. سیطره چتر حمایت خود را تا حد امکان از رهگذر تخصصی کردن ساز و کارهای جبرانی و حمایت، بر همه ی اقشار آسیب پذیر جامعه که بزه دیده تشدید یا در معرض خطر بزه دیدگی قرار دارند، گسترش می‌دهد. قانون‌گذار کشور ما نیز در تدوین قانون آ. د. ک به این نوع از حمایت افتراقی از بزه دیدگان خاص پرداخته است. از جمله این تدابیر و نیازهای ناتوانان در حقوق جزای شکلی عبارتند از:

ـ غیر قابل گذشت بودن جرایم علیه ناتوانان و عدم نیاز به شکایت شاکی خصوصی

ـ بکار گیری افراد خبره متناسب با نوع ناتوانی آنان؛ بزه

قانون‌گذار در قانون جدید به حمایت خاصی از این اقشار ناتوان پرداخته است که نشان دهنده ی توجه قانون‌گذار به تمامی اقشار بزه دیده است با توجه به ظهور علوم جرم شناسی و بزه دیده شناسی و تحت تأثیر قرار دادن بسیاری از علوم جنایی به خود سبب شده است بسیاری از دادرسی‌های کشور اسلامی ما، متأثر از این علم باشد که منطبق با موازین شرعی و اصول مسلم اسلامی است. در ادامه این بحث به تحلیل بزه دیده شناسی چندین ماده از ق. آ. د. ک که مختص به حمایت از بزه دیدگان خاص است می‌پردازیم ولی با وجود این، بهتر بود که در این ماده از نابینایان نیز نام برده می‌شد.

۲-۱ مبحث دوم

اشکال حمایت از بزه دیدگان

حمایت از بزه دیدگان می‌تواند اشکال و صور مختلفی را به خود گیرد. از این رو تقسیم بندی های متفاوتی از اشکال حمایت و صیانت از بزه دیدگان مطرح شده اند. این حمایت ها را در یک تقسیم بندی کلی می‌توان به حمایت کیفری و غیر کیفری تقسیم بندی کرد. حمایت کیفری باید به عنوان آخرین حربه یا ابزار مورد استفاده قرار گیرد و پیش از آن باید از سایر روش‌های حمایتی بهره جسته شود. این حمایت ها

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

البته فارغ از قوانین ماهوی، به حوزه قوانین شکلی نیز راه یافته اند. اما حمایت های غیرکیفری در قالب قوانین مسئولیت مدنی و توسعه حق های مالی و همچنین خدمات پزشکی و رفاهی تحقق می‌یابند.

۱-۲-۱ حمایت کیفری

منظور از حمایت کیفری، حمایت‌ها و پشتیبانی‌هایی است که از جانب قانونگذار در قبال اعمال مجرمانه‌ای که نسبت به افراد در جامعه اعمال می‌شود، به کار می رود. دو مفهوم کیفر و مجازات دارای سابقه ای طولانی است. حمایت کیفری در حقوق و در مورد بزه دیدگان می تواند از طریق سازوکار جرم انگاری اعمال شود. واژه جرم انگاری یعنی انگارش جرم و یا جرم پنداری که از دو کلمه جرم به معنی، گناه، خطا، بزه و انگار به معنی پندار و تصور و فکر و خیال مرکب شده است (عمید، ۱۳۸۰، ۱۲۹). در اصطلاح لاتین جرم انگاری معادل **Criminazation** در مقابل مفهوم مخالف خود یعنی جرم زدایی **Decriminization** آمده است که مفهوم عمیق جرم انگاری را در فرآیند جرم زدایی تشریع می کند. از لحاظ اصطلاحی جرم انگاری در طی فرآیند سازی حقوقی آن تعریف می شود که بر اساس آن قانونگذار از طریق تصویب قوانین، اعمالی را به جهت حفظ ارزشهای اجتماعی و نظم عمومی و علل و عوامل دیگر جرم تلقی می‌نماید (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۱، ۱۲۳). در این فرآیند قانونگذار با در نظر گرفتن هنجارها و ارزش‌های اساسی جامعه و با تکیه بر مبانی نظری مورد قبول خود، فعل یا ترک فعلی را ممنوع و برای آن ضمانت اجرای کیفری وضع می کند (آقابابایی، ۱۳۸۴، ۱۷). بر این اساس مطالعه جرم انگاری امری تک بعدی نیست و مبتنی بر علوم زیر ساختی همچون فلسفه حقوق، فلسفه سیاسی و علوم اجتماعی می‌باشد. به عبارت دیگر جرم انگاری مبتنی بر مبانی نظری مورد قبول حکومت یا قدرت سیاسی است (آقابابایی، ۱۳۸۴، ۱۱). بنابراین می توان گفت مفهوم جرم انگاری بر امر قانون گذاری جزایی و تدوین کیفری جرم که مقنن متصدی آن است مشتمل است که با توجه به معانی موسع و مضیق کلمه جرم انگاری این مفهوم توسعه می یابد؛جرم تلقی کردن فعل در معنای موسع و فرآیندی که به منظور جرم تلقی کردن یک فعل یا ترک فعل رفتارهای جدید که به موجب قوانین کیفری مشمول قانون جزا می‌گردد در معنای مضیق است (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۷۷، ۷۶)

جرم انگاری یا حمایت از بزه دیده ممکن است به صورت ساده یا افتراقی باشد. در واقع در حمایت کیفری ساده، قوانین کیفری در کنار نقش پیشگیرانه ای که در چارچوب بازدارندگی جمعی و فردی دارند، نقش حمایتی از رهگذر پیشگیری از بزه دیدگی را نیز به دوش می کشند. بدین ترتیب قانونگذار باید در گزینش ضمانت اجرای مناسب برای رفتار جرم انگاری شده موفق عمل نماید. اما در خصوص حمایت کیفری تشدیدی می‌توان گفت یکی از مواردی که بزهکاران بالقوه در مرحله ترسیم و به فعلیت درآوردن آن مد نظر قرار می‌دهند، هزینه کیفری ناشی از ارتکاب جرم است و در همین راستا آسیب پذیری برخی از اشخاص همچون زنان و کودکان به دلیل ضعف های مختلف آنان را به آماج های مطلوبی برای بزهکاران

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

تبدیل می‌کند، زیرا هزینه کیفری ارتکاب جرم علیه این افراد در پایین ترین حد ممکن است. از این رو آسیب پذیری اشخاص مذکور آنها را شایسته توجه و حمایت ویژه می‌کند. یکی از موارد مهم گشودن فصلی به نام بزه دیدگان در حوزه بزه دیده شناسی برای حمایت از بزه دیده است (کریمی، ۱۳۷۸، ۱۲۳).

۲-۲-۱ حمایت مالی

استانداردهای یک زندگی و معیشت شایسته، علاوه بر تامین مسکن و جان پناه مناسب و امن به کمک های مادی برای بزه دیده نیز تسری می‌یابد که دولت ها به تامین آن اقدام می‌کنند. این کمک ها شامل مواردی است از قبیل لباس، حمل و نقل، غذا و. . . . شرط دسترسی یک زن یا کودک بزه دیده به خدمات پزشکی نیز داشتن تمکن مالی لازم است، زیرا تشخیص نیاز را در مواردی می توان به خود بزه دیده گان یا خانواده آنها سپرد. همچنین این انتظار که یک بزه دیده در همه موارد بتواند از خدمات دولتی بهره منده شود انتظار به جا و شایسته ای نیست و باید بتوان وی را از تمکن مالی برای بهروری از خدمات بهداشتی و دارویی بهره مند کرد.

در این زمینه پیشنهادها و روش هایی برای ارائه کمک های مالی به بزه دیده گان کودک و زن شده است که این روش ها عبارتند از:

-کمک مالی مستقیم به بزه دیده گان از منابع دولتی مثلا به صورت مستمری ماهیانه

-کمک مالی مستقیم از ناحیه سازمان ها و موسسات مسئول برای حمایت از بزه دیده گان

اهدا کنندگان کمک مالی متفاوتند و طیف وسیعی از حکومت‌ها، صندوق های پناه جویان، برنامه‌های مربوط به پیشگیری از خشونت علیه زنان و کودکان، کمک های خارجی، سازمان‌های غیر حکومتی و مردم نهاد، مذهبی و حقوق بشری را شامل می‌شوند (عینی، ۱۳۹۰، ۷۹).

امروزه بخشی از برنامه های حمایتی مالی متکی بر منابع مالی مردمی است. این طرح ها با حضور نیروهای داوطلب در سطح جامعه راه اندازی و سازماندهی می‌شود. تحقیقات انجام شده در طی سی سال اخیر حکایت از آن دارد که در میان بزه دیدگان تنها اقلیتی از آنها مورد حمایت این برنامه ها قرار گرفته اند و حمایت های روانی ارائه شده در این برنامه ها در عمل کمتر به اجرا درآمده است (عینی، ۱۳۹۰، ۷۹).

۲-۲-۱ حمایت پزشکی

از آنجا که برخی از جرم ها به آسیب بدنی یا روانی می انجامد، درمان این آسیب‌ها را می توان به منزله حمایت پزشکی از بزه دیده در نظر گرفت. حمایت پزشکی ممکن است در درمان‌های فوری ضرورت پیدا کند. در این صورت، دریافت گواهی پزشکی برای پیگیری قضایی پسین، بسیار اهمیت دارد. هم چنین این حمایت ممکن است به شکل درمان های عادی یا عمومی باشد که به ویژه در خشونت‌های خانگی مانند

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

کودک آزاری اهمیت پیدا می‌کند. حمایت پزشکی را می توان در سطح سیاست جنایی قانونگذارانه و نیز سیاست جنایی مشارکتی (برای نمونه از گذر سازمان های غیردولتی) تصور نمود (رایجیان، ۱۳۹۰، ۱۲۴).
نقش حمایت پزشکی زمانی آشکار تر می گردد که آسیب ها و صدمات بدنی یا روانی در نتیجه ارتکاب جرم باشد، چرا که جرایم معمولا از نوع آنی بوده و بزهکاران تا حد ممکن سعی در از بین بردن آثار و دلایل اثباتی جرم دارند و در صورتی که حمایت پزشکی علی الخصوص در جرایم علیه اشخاص به سرعت و به موقع صورت نگیرد، چه بسا سوء پیامدها و آسیب های جبران ناپذیری در مورد بزه دیده داشته باشد. از سوی دیگر نظام عدالت کیفری را در اثبات جرم و احقاق حق بزه دیده به صورت شایسته و برخورد با مجرم ناکام می‌گذارد. متاسفانه در نظام عدالت جنایی ایران، چارچوب مشخص و منسجمی برای حمایت پزشکی از بزه دیدگان به چشم نمی خورد و همچنین تدابیر پزشکی خاصی برای بزه دیدگان وجود ندارد (زکویی، ۱۳۹۰، ۲۶).

۳-۱ مبحث سوم

حقوق و جایگاه بزه دیده در مرحله تعقیب و رسیدگی

۱-۳-۱ طرح شکایت و گذشت از تعقیب جرم

یکی از راههای اطلاع از وقوع جرم، شکایت بزه دیده است. قانونگذار شکایت یا اعلام جرم از طرف بزه دیده را ازجهات قانونی تعقیب می‌داند و در ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری جایگاه بزه دیده را در فرایند تعقیب از دو جهت قابل توجه است:

نخست: در جرایم غیر قابل گذشت در این سطح باید گفت که بزه اختلاف میان بزهکار و جامعه است و بزهکار را در مقابل جامعه مدیون می گرداند و زمانی که او به مجازات برسد دین او هم ادا می‌شود. بزه دیده که رفتار مجرمانه بر او واقع شده است به عنوان فردی ازاجتماع تعرض وارد شده بر اجتماع را در قالب شکایت اعلام می‌کند و نماینده جامعه موظف به تعقیب آن است تا از رهگذر اعمال پاسخ‌های کیفری و سایر پاسخ خایی که نظام عدالت کیفری بر می شمارد با بزهکار برخورد کند و بزه دیده حق دارد ضرر و زیان ناشی از جرم را از بزهکار مطالبه کند. در چنین جرایمی تعقیب و اعمال مجازات به خاطر حمایت از جامعه در قبال بزهکار است.

دوم: در جرایم قابل گذشت. در این سطح در واقع بزه تعارض میان بزه دیده و بزهکار است و بزهکار را در قبال بزه دیده بودن مدیون می سازد و تعقیب بزه و بخورد با بزهکار به خاطر بزه دیده است. به بیان دیگر در جرایم قابل گذشت جنبه خصوصی جرم بر جنبه عمومی آن غلبه دارد و تا بزه دیده اعلام جرم نکند تعقیب شروع نمی شود. در این جرایم به محض طرح شکایت از سوی بزه دیده دستگاه قضایی و پلیس مکلف هستند آن را قبول کنند. در ماده ۶۹ قانون جدید آمده است:

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

«دادستان مکلف است شکایت کتبی و شفاهی را همه وقت قبول کند. شکایت شفاهی در صورت مجلس قید و به امضاء و اثر انگشت شاکی می رسد. هر گاه شاکی سواد نداشته باشد مراتب در صورت مجلس قید و انطباق شکایت با مندرجات صورت مجلس تصدیق می‌شود.»

آنچه اهمیت دارد طرح شکایت است و کتبی و شفاهی بودن آن تاثیری در طرح شکایت ندارد و دریافت شکایت در همه وقت پذیرفته می شود و چنانچه بزه دیده تمایل نداشته باشد بزهکار مجازات نمی شود.

قانونگذار ایران در جرایم غیر قابل گذشت نیز جایگاه بزه دیده را محترم شمرده است. برای نمونه بند ۱ ماده ۲۲ ق. م. ا ۱۳۷۰، گذشت شاکی یا مدعی خصوصی را یکی از کیفیات مخففه در جرایم مستوجی مجازات تعزیری یا بازدارنده شناخته است. این موضوع در ماده ۳۸ قانون مجازات جدید ذکر شده که فقط شامل جرایم تعزیری می‌باشد. ماده ۴۸۳ قانون جدید هک هم گذشت شاکی یا مدعی خصوصی را در جرایم غیر قابل گذشت و پس از قطعی شدن حکم، از موجبات تجدیدنظر در میزان مجازات شمرده است. در این صورت دادگاه اختیار خواهد داشت که در وقت فوق العاده به درخواست محکوم علیه رسیدگی نموده و در صورت لزوم مجازات را در حدود قانون تخفیف دهد (صیادی قصبه، ۱۳۸۳، ۸۹).

۲-۳-۱ حق بزه دیده هنگام تعلیق تعقیب

با تصویب ماده ۴۰ مکرر ق. آ. د. ک و دو تبصره آن در بهمن سال ۱۳۵۲ همگام با نظام‌های کیفری پیشرفته جهان نظام عدالت کیفری ایران از قاعده «قانونی بودن تعقیب» به نظام مبتنی بر «مناسب بودن تعقیب» متحول گردید و مقام قضایی اختیار تشخیص موقعیت داشتن تعقیب یا عدم آن را پیدا نمود.

با تصویب قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری در سال ۱۳۵۶ ماده ۴۰ مکرر قانون آ. د. ک سابق اصلاح گردید و مقررات مربوط به تعلیق تعقیب در ماده ۲۲ قانون مذکور با حذف قسمتهایی از ماده ۴۰ مکرر تمهیداتی را در نهاد تعلیق به وجود آورد.

از جمله شرایط تعلیق تعقیب، جنحه ای بودن جرم به وقوع پیوسته به استثناء جنحه‌های باب دوم قانون مجازات عمومی، قرار مقرون به واقع متهم به بزه ارتکابی، نداشتن سابقه محکومیت کیفری موثر و در نهایت نداشتن شاکی خصوصی یا در حضور او استرداد شکایت در پرونده است. بنابراین حسب مقررات لاحق بزه دیده از نقش بسزایی در معلق ساختن تعقیب کیفری متهم برخوردار است (عباسی، ۱۳۸۶، ۹۳).

نکته ایی که در تبصره ۲ ماده ۴۰ مکرر ق. آ. د. ک وجود دارد که در ماده ۲۲ ق. ا. پ. ق. د ابقاء گردیده آن است که در صورت توام بودن جرایم جنحه ایی و جنایی، هنگامی می توان از مقررات تعلیق تعقیب استفاده نمود که در خصوص جرم جنایی قرار منع تعقیب صادر شده باشد و الا اگر قرار موقوفی تعقیب صادر شده باشد به لحاظ عدم امکان تسری حکم آن بر قرار منع تعقیب، استفاده از تعلیق تعقیب مواجه به اشکال خواهد بود.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

قرار موقوفی تعقیب یک قرار شکلی است که قاضی رسیدگی کننده جهت صدور آن اولاً و لزوماً وارد ماهیت پرونده کیفری نمی‌شود. یعنی قطع نظر از وجود یا عدم ادله اثباتی در خصوص اتهام انتسابی به متهم، مقام تحقیق رای به عدم امکان تعقیب کیفری و انجام یا ادامه تحقیقات مقدماتی به جهات شکلی غیر مرتبط با پرونده می‌دهد. ثانیاً محتمل است قاضی در ابتدای شروع مرحله تحقیقات مقدماتی یا در جریان آن با حدوث شرایط مقرر قانونی مکلف به صدور این قرار گردد. به این سان چنانچه مورد از موارد موقوفی تعقیب باشد، بازپرس قرار موقوفق تعقیب صادر و پرونده را فوری نزد دادستان ارسال می‌کند. دادستان باید ظرف سه روز از تاریخ وصول، پرونده تحقیقات را ملاحظه و نظر خود را به طور کتبی اعلام کند و پرونده را نزد بازپرس برگرداند (عباسی، ۱۳۸۶، ۹۴).

دادگاه در صورتی که ادعای بزه دیده را به قرار موقوفی تعقیب موجه بداند، آن را نقض و قرار جلب به دادرسی صادر می‌کند. مطابق ماده ۲۷۷ قانون جدید:

«در صورت نقض قرار موقوفی تعقیب، بازپرس مطابق مقررات و صرف نظر از جهتی که علت نقض قرار موقوفی تعقیب است، به پرونده رسیدگی و با انجام تحقیقات لازم، تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند.»

در قوانین جدید کیفری نیز می توان این قرار را بررسی کرد. برای مثال می توان به ماده ۸۱ قانون جدید اشاره کرد:

«درجرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است چنانچه شاکی وجود نداشته، گذشت کرده یا خسارت وارده جبران گردیده باشد و یا با موافقت بزه دیده، ترتیب پرداخت آن در مدت مشخصی داده شود و متهم نیز فاقد سابقه محکومیت موثر کیفری باشد، دادستان می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم و در صورت ضرورت با اخذ تامین متناسب تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند. در این صورت دادستان متهم را حسب مورد مکلف به اجرای برخی از دستورهای زیر می‌کند. . . »

در کل قرار تعلیق تعقیب یک قرار نهایی شکلی است که در جهت ارفاق به برخی متهمان وفق شرایط مقرر قانونی صادر می‌شود و نتیجه آن عدم تعقیب دعوای عمومی و بایگانی شدن پرونده است. در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است، چنانچه شاکی وجود نداشته، گذشت کرده یا خسارت وارده جبران گردیده باشد و یا با موافقت بزه دیده، ترتیب پرداخت آن در مدت مشخصی داده شود و متهم نیز فاقد سابقه محکومیت موثر کیفری باشد، دادستان می تواندپس از اخذ موافقت متهم و در صورت ضرورت با اخذ تامین مناسب، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند.

در این صورت دادستان متهم را حسب مورد، مکلف به اجرای برخی از دستورهای مندرج در ماده ۸۱ قانون جدید می‌کند. قرار تعلیق تعقیب در دفتر مخصوصی در واحد سجل کیفری ثبت می‌شود و در صورتی که متهم در مدت مقرر، ترتیبات مندرج در قرار را رعایت ننماید، تعلیق لغو می‌گردد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

۳-۳-۱ حق رسیدگی به دعوای خصوصی ضمن دعوای عمومی

از حقوق بزه دیده به منظور جبران خساراتی که بر او وارد شده است رسیدگی همزمان به دعوای عمومی است. ماده ۱۴ ق. آ. د. ک سال ۱۲۹۰ الزام دادگاه به رسیدگی و صدور رای در خصوص دادخواست ضرر و زیان همراه با امر کیفری را متذکر شده بود. در ماده ۲۰۷ ق. آ. د. د. ع. ا. ک رسیدگس به دعوای خصوصی ضمن دعوای عمومی مجددا مورد تاکید قرار گرفته است. ماده ۱۲ ق. آ. د. د. ع. ا. ک در خصوص صدور حکم ضرر و زیان مدعی خصوصی ضمن صدور حکم جزایی در صورتی که متهم را مجرم تشخیص دهد بیان داشته است: «هر گاه دادگاه متهم را مجرم تشخیص دهد مکلف است ضمن صدور حکم جزایی حکم ضرر و زیان مدعی خصوصی را نیز طبق دلایل و مدارک موجود صادر نماید مگر اینکه رسیدگی به ضرر و زیان محتاج به تحقیقات بیشتری باشد که در این صورت دادگاه حکم جزایی را صادر، پس از آن به دادخواست ضررو زیان رسیدگی کرده و حکم مقتضی صادر می‌نماید.» (نوربها، ۱۳۷۹، ۴۱۸).

رای وحدت رویه شماره ۶۴۹- ۱۳۷۹/۷/۵ در فرض صدور حکم برائت یا منع تعقیب نیز همچنان دادگاه کیفری را مکلف نموده است به ضرر و زیان مدعی خصوصی رسیدگی نماید و تصریح نموده است:

«. . . ماده ۱۲ ق. آ. د. د. ع. ا. ک دلالتی بر منع رسیدگی نسبت به امر ضرر و زیان در صورت حکم برائت ندارد. . . »

در ماده ۱۶ قانون جدید آیین دادرسی کیفری در این خصوص آمده است:

«هر گاه دعوای ضرر و زیان ابتدا در دادگاه حقوقی اقامه شود دعوای مذکور قابل طرح در دادگاه کیفری نیست مگر آنکه مدعی خصوصی پس از اقامه دعوی در دادگاه حقوقی متوجه شود که موضوع واجد جنبه کیفری نیز بوده است که در این صورت می تواند با استرداد دعوی به دادگاه کیفری مراجعه نماید. اما چنانچه دعوای ضرر و زیان ابتدا در دادگاه کیفری مطرح و صدور حکم کیفری به جهتی از جهات قانونی با تاخیر مواجه شود، مدعی خصوصی می تواند با استرداد دعوی برای مطالبه ضرر و زیان به دادگاه حقوقی مراجعه کند. چنانچه مدعی خصوصی قبلاً هزینه دادرسی را پرداخته باشد نیازی به پرداخت مجدد آن نیست.»

٤-۳-۱ حق داشتن وکیل معاضدتی

امروزه حق داشتن وکیل معاضدتی در اسرع وقت یکی از قوانین بین المللی و جهانی محسوب می‌گردد. بدین مناسبت در تاریخ پانزدهم ژوئن ۲۰۰۰ پارلمان فرانسه قانونی را در زمینه حمایت از افراد بی گناه قربانی سوء قضاوت و حقوق قربانیان به تصویب رساند. این قانون از جمله تصریح می‌کند که مظنونین و متهمان فاقد وکیل می‌بایست از نخستین ساعات بازداشتشان به هر دلیلی که باشد به وکیل معاضدتی دسترسی داشته باشند اما موارد اتهامات تروریستی و یا قاچاق مواد مخدر از این قانون مستثنی هستند، چرا

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

که اشخاص متهم به ارتکاب اعمال تروریستی و یا قاچاق مواد مخدر تحت نظام بازداشتی خاصی قرار می‌گیرند وی این افراد را تا ۹۶ ساعت نیز می توان بدون بهره گیری از وکیل در بازداشت نگه داری کرد. در ماه مارس ۲۰۰۳ میلادی با روی کار آمدن و به قدرت رسیدن دولت جدید فرانسه قانونی تحت عنوان ۲۰۰۳-۲۳۹ در زمینه امنیت داخلی به تصویب رسید که بر اساس آن برخی مقررات و قوانین با آزادی عمل بیشتری نسبت به قوانین قبلی ایجاد گردید. این قانون موارد دیگری را نیز جزو جرایمی برشمرد که ضرورت دسترسی به وکیل را در حین بازداشت منتفی می دانست همچون تجمع در مکان های عمومی که نظم عمومی را دچار اختلال گرداند.[۲]

حق داشتن وکیل یکی از تضمینات حقوقی دفاعی متهم است که در اسناد حقوق بشر ً مصرحا به آن تأکید شده است. به عنوان مثال در اعالمیه جهانی حقوق بشر و میثاقین حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی و فرهنگی، اجتماعی به ای ّ ن حق مسلم متهم تأکید شده است. در ایران حقوقدانان آنجا که مبانی و اصول "امنیت قضایی" که در واقع مهم تر از امنیت اجتماعی فردی و اقتصادی است را بر می شمرند اصول متعددی را احصاء می نمایند از جمله: منع بازداشت افراد به صورت غیرقانونی، تفهیم اتهام، گرفتن آخرین دفاعیات و. . . . اما یکی از جمله اصول مهم را حق داشتن وکیل برای متهم در دادرسی ها می‌شمرند (هاشمی، ۱۳۷۸، ج۱، ص۲۱۳).

میثاق حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون آمریکا، کنوانسیون اروپا صراحتا به این نکته که شخص در مراحل قبل از دادرسی حق برخورداری از کمک یک وکیل برخوردار است اشاره نمی‌کنند، اما کمیته حقوق بشر و دادگاه اروپایی حقوق بشر به صراحت بیان می دارند که حق برخورداری ا ز یک محاکمه عادلانه مستلزم دسترسی به یک وکیل در طول بازداشت، بازپرسی و تحقیقات مقدماتی است. کمیته حقوق بشر مقرر می‌دارد که همه اشخاصی که دستگیر می شوند باید دسترسی فوری به یک وکیل داشته باشند. بند ۲ از اصل ۱۷ از اصول اساسی در مورد وکلاءمقرر می دارد:

«اگر شخص بازداشت شده به انتخاب خود وکیلی برنگزیده باشد باید این حق به او داده شود که یک مقام قضایی و یا یک مقام دیگر در تمام مواردی که عدالت ایجاب می کند یک وکیل قانونی برای او برگزیند و اگر او توانایی مالی برای پرداخت حق الوکاله وکیل نداشته باشد یک وکیل معاضدتی برای او منصوب شود. » همچنین اصل ۶ اصول اساسی در نقش وکلاء مقرر می دارد به هر شخصی که دستگیر، بازداشت یا متهم می گردد و دارای وکیل نیست در تمام مواردی که عدالت اقتضاء کند باید این حق داده شود که یک وکیل صالح و متناسب با جرم اتهامی داشته باشد و اگر فاقد استطاعت مالی باشد وکیل معاضدتی برایش نصب گردد. »اصل ۷ از اصول اساسی در مورد وکلاء مقرر می دارد که دسترسی به یک وکیل باید بلافاصله پس از دستگیری متهم امکان پذیر باشد. تاخیر در دسترسی به وکیل باید فقط در شرایط استثنایی

---

۱. گزارش نقد و ارزیابی عملکرد خلاف حقوق بشر پلیس فرانسه و کوتاهی نظام قضایی در اجرای عدالت، مقاله، بی نام، ماهنامه قضاوت، شماره ۴۰، مهرماه ۱۳۸۵

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

که قانون پیش بینی کرده است مجاز باشد. اصل ۸ از اصول اساسی در نقش وکلاء اشعار می دارد که به تمام اشخاصی که دستگیر یا بازداشت می شوند باید فرصت، زمان و امکانات لازم داده شود تا با وکیل خود بدون هیچ گونه تاخیر و با اطمینان کامل مشاوره کنند. گرچه ماده ۶ کنوانسیون اروپا به صراحت به حق متهم برای مشاوره با وکیل اشاره نمی کند اما کنوانسیون اروپا مقرر کرده از آنجا که مشاوره با وکیل بخش اصلی آماده کردن دفاعیات متهم است لذا این ماده به طور ضمنی این حق را برای متهم به رسمیت شناخته است. اصل ۲۲ از مجموعه اصول اساسی در نقش وکلاء دولتها را ملزم می کند که به روابط میان موکلین و وکلاء آنها که متکی بر اعتماد است احترام بگذارند و آنها را به رسیمت شناسند و به موجب بند ۵ از اصل ۱۸ مجموعه اصول این روابط نمی تواند به عنوان دلیل علیه متهم مورد استفاده قرار گیرد (نوربها، ۱۳۷۹، ۴۲۰).

۵-۳-۱ حق درخواست دادرسی غیرعلنی و محرمانه

سابقه تاریخی دادرسی ها نشان داده است که سری بودن رسیدگی در دادگاهها منجر به تضییع حقوق اشخاص گردیده است. به موجب اصل ۱۶۵ قانون اساسی«محاکمات علنی انجام می‌شود وحضور افرد بلامانع است مگر آنکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.»

همچنین اصل ۱۶۷ قانون اساسی اشعار می دارد رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی نیز علنی است و با حضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری صورت می گیرد.

اصل علنی بودن محاکمات در ماده ۳۵۲ قانون جدید مقرر شده است:

«محاکمات دادگاه علنی است مگر در جرایم قابل گذشت که طرفین یا شاکی، غیر علنی بودن محاکمه را درخواست کنند. همچنین دادگاه پس از اظهار عقیده دادستان قرار غیر علنی بودن محاکم را در موارد زیر صادر می کند:

الف- امور خانوادگی و جرایمی که منافی عفت یا خلاف اخلاق حسنه است.

ب- علنی بودن، مخل امنیت عمومی یا احساسات مذهبی یا قومی باشد.»

در شکل ابتدایی نظام دادرسی تفتیشی، تحقیقات مقدماتی، حتی نسبت به خود متهم نیز جنبه محرمانه داشت. با این وجود امروزه تحت تاثیر موازین حقوق بشری و تحول در تعاریف کرامت و حیثیت متهمان، شیوه های دادرسی نیز متحول شده و این ویژگی نظام تفتیشی تا اندازه زیادی تعدیل گشته است. لذا منظور از محرمانه بودن تحقیقات مقدماتی و غیرعلنی بودن ممنوع بودن انتشار اطلاعات مربوط به این مرحله است. به این معنا که هیچ کس نمی تواند قبل از صدور قرار نهایی توسط مرجع تحقیق، اطلاعات مربوط به پرونده را افشاء سازد (نوربها، ۱۳۷۹، ۴۲۱).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

٦-۳-۱ گذشت شاکی یا مدعی خصوصی

قانونگذار ایران همواره جایگاه بزه دیده را در فرآیند دادرسی مورد توجه قرار داده است و در جرایم غیر قابل گذشت این جایگاه را مورد اعتنا قرار داده و محترم شمرده است. برای نمونه بند ۱ ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ گذشت شاکی یا مدعی خصوصی را یکی از کیفیات مخففه در جرایم مستوجب مجازات های تعزیری یا بازدارنده شمرده است.

ماده ۲۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ هم گذشت شاکی یا مدعی خصوصی را در جرایم قابل گذشت و پس از قطعی شدن حکم، از موجبات تجدید نظر در میزان مجازات شمرده است، در این صورت دادگاه اختیار خواهد داشت در وقت فوق العاده به درخواست، رسیدگی و در صورت لزوم مجازات را در حدود قانون تخفیف دهد (ابراهیمی، ۱۳۸۴، ۳۰۰).

در این مورد ماده ۴۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می دارد:

«هر گاه شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم قابل گذشت بعد از قطعی شدن حکم از شکایت خود صرف نظر کند محکوم علیه می تواند از دادگاه صادر کننده حکم قطعی درخواست کند در میزان مجازات او تجدید نظر شود، در این صورت دادگاه به درخواست محکوم علیه در وقت فوق العاده و با حضور دادستان یا نماینده او با رعایت مقررات ماده ۳۰۰ این قانون رسیدگی می کند و مجازات را در صورت اقتضاء در حدود قانون تخفیف می دهد و یا به مجازاتی که مناسبتر به حال محکوم علیه باید تبدیل می کند. این رای قطعی است.»

٤-۱ مبحث پنجم

تغییرات قانون آیین دادرسی کیفری در جهت حمایت از بزه دیده

۱-٤-۱ تغییرات آزادی مشروط در حمایت بزه دیده در قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲

در کنار مجازاتها که به منظور تادیب و تنبیه مجرم است اصلاح و بازاجتماعی شدن وی نیز باید مورد توجه قرار گیرد. آزادی مشروط این امکان را فراهم می آورد تا محکومان در بند، تصمیم به زندگی شرافتمندانه را در مدار قانون تجربه نمایند و امکان بازگشت سریع آنها به آغوش جامعه فراهم شود. علاوه بر آن از تشدید تورم کیفری زندانیان محبوس و تحمیل هزینه های فراوان برای نگهداری آنان نیز جلوگیری می‌نماید.

نظر به تغییر شرایط آزادی مشروط در ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ و اخف بودن آن نسبت به ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و اهمیت و لزوم اجرای آن در خصوص محکومان واجد شرایط لازم می آید که این ماده با دقت و موشکافی مورد بحث و بررسی قرار گیرد. در این قسمت ضمن بیان متن ماده ۳۸ قانون سابق، فصل هشتم قانون جدید «نظام آزادی مشروط» مواد ۶۱- ۵۸ از جنبه‌های مختلف و در ۶ بند مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

۲-٤-۱ تغییرات تعلیق اجرای مجازات در حمایت از بزه دیده در قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲

علاوه بر آزادی مشروط، یکی از نهادهایی که باعث تاخیر اجرای مجازات می‌گردد نهاد تعلیق اجرای مجازات است. تفاوت تعلیق با آزادی مشروط در آن است که تعلیق مجازات ضمن صدور و قبل از اجرای آن صورت می‌گیرد ولی آزادی مشروط در اثنا و حین اجرای مجازات اعمال می‌شود.

بر این اساس، دادگاه صادرکننده حکم، اجرای مجازات مذکور در دادنامه را با توجه به شرایطی و برای مدتی معین و به منظوراصلاح و تربیت مجرم به تاخیر می‌اندازد.

در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، قانونگذار مواد ۴۶ تا ۵۴ را به تعلیق اجرای مجازات اختصاص داده است.

بر اساس ماده ۴۶ این قانون، «در جرایم تعزیری درجه سه تا هشت، دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا پنج سال معلق کند. دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری نیز پس از اجرای یک‌سوم مجازات می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، تقاضای تعلیق کند. همچنین محکوم می‌تواند پس از تحمل یک‌سوم مجازات، در صورت دارا بودن شرایط قانونی، از طریق دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری تقاضای تعلیق کند.»

در تعلیق مراقبتی محکوم علیه ملزم به انجام تعهداتی در دوران تعلیق می گردد که در جهت منافع وی و اصلاح و پیگیری از سقوط او در ارتکاب جرم است. به علاوه جامعه نیز از عمل بزهکاران تعلیقی معاف می‌گردد و در مقابل با موجبات حبس بزهکاران حرفه ای و خطرناک، جامعه از شر این قبیل بزهکاران مصون می ماند. (گلدوزیان، ۱۳۸۰، ۳۵۸).

۳-٤-۱ خسارت های قابل مطالبه از طریق بزه دیده در قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲

خسارت های قابل مطالبه توسط بزه دیده را می توان به دو دسته خسارت های مادی و معنوی تقسیم بندی که بحث در مورد آن به دلیل تکراری بودن موضوع بی فایده به نظر می رسد. اما یکی از موضوعات مهم در این حوزه خسارت ناشی از منافع ممکن الحصول است که به دلیل آنکه کمتر در مورد آن اظهار نظر و گفتگو شده به شرح آن اشاره خواهد شد.

خسارت ناشی از منافع ممکن الحصول

دعوای مطالبه منافع ممکن الحصول

دعوای مطالبه منافع ممکن الحصول توسط بزه دیده با عنایت به حقوقی بودن موضوع و فلسفه طرح آن، شرایطی را طلب می نماید که از آن جمله باید گفت این دعوا باید به صورت ارائه دادخواست و با رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی باشد. موضوع دعوای منافع ممکن الحصول می تواند مادی یا معنوی باشد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

حسب ماده ۱۴ قانون جدید، ضرر و زیان معنوی در نظام حقوقی کیفری ایران قابلیت مطالبه دارد. بنابراین به قیاس اولویت می توان بر این دیدگاه بود که منافع ممکن الحصول معنوی نیز می‌تواند مورد حمایت قرار گرفته و به عنوان ضرر مطالبه شود (عزیزی، ۱۳۹۲، ۴۶).

٤-٤-١ تغییرات اعاده دادرسی در قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲

از نظر لغوی اعاده یعنی بازگرداندن و اعاده دادرسی یعنی بازگرداندن دادرسی(عمید، حسن، ۱۳۸۷، ۱۴۴). همچنین دادرسی عبارت است از به دادرسی رسیدن، به دادخواهی شخصی رسیدگی کردن و رسیدگی به تظلم خواهی، دادگرفتن، عمل دادرس، محاکمه کردن و. . . (همان، ۴۷۷). از نظر اصطلاحی اعاده دادرسی طریقه فوق العاده و عدولی شکایت از احکام بوده که از طریق آن محکوم علیه حکمی از اعتبار امر مختوم برخوردار شده، می تواند از مرجع صادر کننده، نقض آن را به دلیل اینکه به اشتباه صادر گردیده، خواه سبب آن اشتباه دادگاه بوده یا طرف دعوی، تقاضا نماید. قانون قدیم آیین دادرسی مدنی فرانسه، اعاده دادرسی را تعریف نکرده بود اما قانون جدید این کشور بحث اعاده دادرسی را با تعریف این طریقه شکایت آغاز نموده است (حیاتی، ۱۳۸۷، ۱۸-۱۹).

به موجب ماده ماده ۴۷۶- قانون آیین دادرسی مصوب ۱۳۹۲ درخواست اعاده دادرسی به دیوان عالی کشور تسلیم می‌شود. این مرجع پس از احراز انطباق موضوع درخواست با یکی از موارد موضوع ماده (۴۷۴) این قانون، با تجویز اعاده دادرسی، رسیدگی مجدد را به دادگاه هم عرض دادگاه صادرکننده حکم قطعی، ارجاع می دهد و در غیر این صورت قرار رد اعاده دادرسی صادر مینماید. بنابراین با استناد به ماده ۴۷۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ می توان مرجع رسیدگی مجدد به رای قطعی خلاف بین شرع را دادگاه هم عرض دادگاه صادر کننده رای قطعی دانست.

٥-٤-١ جبران خسارت بزه دیدگان در حقوق ایران در قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲

در ماده ی ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ آمده است که: در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است، مقام قضائی می‌تواند به درخواست متهم و موافقت بزه‌دیده یا مدعی خصوصی و با أخذ تأمین متناسب، حداکثر دو ماه مهلت به متهم بدهد تا برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند. که به نقش بزه دیده توجه نموده است.

پس از اینکه معلوم شد که منظور از امکان طرح دعوای خصوصی در مرجع کیفری، مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم است نه هر ادعای حقوقی، باید دید که چه زیان‌هایی از این طریق قابل مطالبه اند و روش‌هایی که برای جبران زیان ها در نظر گرفته شده اند کدامند. در قانون دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ماده ۱۵ آمده است که: پس از آنکه متهم تحت تعقیب قرار گرفت، زیان دیده از جرم می‌تواند تصویر یا رونوشت مصدق تمام ادله و مدارک خود را جهت پیوست به پرونده به مرجع تعقیب تسلیم کند و تا قبل از اعلام

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

ختم دادرسی، دادخواست ضرر و زیان خود را تسلیم دادگاه کند. مطالبه ضرر و زیان و رسیدگی به آن، مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است (احدی، ۱۳۹۴، ۲۳).

٦-٤-١ ساخت و احداث درمانگاه بزه دیده

امروزه درمانگاه جرم با درمانگاه بزه دیده همراه شده است. به عبارت دیگر باید در کنار کلنیک جرم شناسی یا همان زندان کلنیک بزه دیده شناسی هم ایجاد شود، زیرا همان فرمول در اینجا نیز مورد توجه است. جرم شناسی بالینی در مفهوم مضیق یعنی مطالعه و معاینه مجرم به منظور ارزیابی نوع حالت خطرناک و تشکیل پرونده شخصیت برای او، که با هدف اصلاح و درمان و پیشگیری از تکرار جرم انجام می‌شود. بزه دیده شناسی بالینی نیز به سهم خود، بازپروری بزه دیده را از راه تشکیل پرونده شخصیت او به منظور پیشگیری از تکرار بزه دیده گی در جرایمی چون ضرب و جرح، اذیت و آزار، تجاوز به عنف و. . . که قربانی آنها متحمل درد و رنج جسمانی، روانی و عاطفی می شود دنبال می کند. با اعمال مجازات نسبت به مجرم این دردها تسکین نمی یابد. بزه دیده گان نیاز به حمایتی غیر از حمایت حقوقی و قضایی دارند. بنابراین هدف عمده بزه دیده شناسی بالینی و درمانگاه بزه دیده، برگرداندن حالت روانی و عاطفی بزه دیده به شرایط قبل از تحمل جرم است که در پیشگیری از تکرار بزه دیده گی او موثر خواهد بود (رجبی، ۱۳۸۶، ۱۳).

٧-٤-١ ایجاد مراکز مشاوره و خطوط بحران

تخصیص بودجه و استفاده از امکانات تخصصی و بهره مندی از کارشناسان برای تشکیل و توسعه مراکز دولتی و غیر دولتی مشاوره ای در زمره تدابیر بازدانده اجتماعی و پزشکی برای پیشگیری از بزه دیده گی زنان و کودکان می‌باشد. بنابراین هدف وجود مراکزی است که به طور رایگان و با کمترین هزینه به ارائه اطلاعات مشاوره‌ای در زمینه مشاوره های پزشکی و بهداشتی به خصوص در زمینه بزه دیده‌گی و گونه‌های آن می‌پردازند و یا با همکاری نهادهای حقوقی و قضایی اطلاعات زنان و کودکان را در زمینه قوانین حمایتی و امکان عملی برخورد قضایی و کیفری با مرتکبین جرایم علیه کودکان و زنان بالا برند و مسیر صحیح قانونی را به بزه دیده گان نشان دهند. همچنین این مراکز می‌توانند زنان و کودکان در معرض بزه دیده گی را شناسایی کرده و با کنکاش در عمق روابط به ریشه یابی معضل آنها پرداخته و سعی خود را در ایجاد رابطه سالم با ایشان و متوقف ساختن عوامل وقوع حادثه اعمال کنند (عظیم زاده، ۱۳۸۴، ۲۲۵).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

۸-٤-۱ ایجاد کلنیک بزه دیده توسط نهاد های مردم نهاد در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

در این راستا قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۶۶ آورده است که: سازمان‌های مردم نهادی که اساسنامه آنها درباره حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتکابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت و نسبت به آراء مراجع قضائی اعتراض نمایند.

تبصره ۱- درصورتی که جرم واقع شده دارای بزه‌دیده خاص باشد، کسب رضایت وی جهت اقدام مطابق این ماده ضروری است. چنانچه بزه‌دیده طفل، مجنون و یا در جرائم مالی سفیه باشد، رضایت ولی یا سرپرست قانونی او أخذ می‌شود. اگر ولی یا سرپرست قانونی، خود مرتکب جرم شده باشد، سازمان‌های مذکور با أخذ رضایت قیم اتفاقی یا تأیید دادستان، اقدامات لازم را انجام می‌دهند.

تبصره ۲- ضابطان دادگستری و مقامات قضائی مکلفند بزه-دیدگان جرائم موضوع این ماده را از کمک سازمان‌های مردم نهاد مربوطه، آگاه کنند.

تبصره ۳- اسامی سازمان‌های مردم‌نهاد که می‌توانند در اجرای این ماده اقدام کنند، در سه‌ماهه ابتدای هر سال توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر کشور تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

نهادهای مردم نهاد که از مفاهیم مرتبط با حوزه عمومی جامعه می‌باشد در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ توجه ویژه ای به آن شده است و بدون وجود آن تحقق حقوق شهروندان تصوری بیهوده خواهد بود. همانگونه که کالهم[1]در تعریف نهادهای مردم نهاد معتقد است که جامعه مدنی مرکب از نهادهایی و انجمن‌هایی کم و بیش خود انگیخته، سازمان‌ها و جنبش‌های در حال ظهوری است که می‌توانند بازتاب‌های مشکلات اجتماعی را که در قلمرو حقوق خصوصی مطرح می‌باشد را در حوزه های عمومی به گونه ای مطرح و آشکار سازد (خانیکی، ۱۳۸۱، ۸۷).

۹-٤-۱ شناسایی و معرفی بزه دیده گان

دولت در راستای حق نظارت خود، می‌تواند با تاسیس مراکز فوق یا با فراهم آوردن امکان ایجاد این مراکز با وصف ملی یا مردمی، آنها را موظف کند تا به محض روبرو شدن با آسیب دیده که احتمال می‌رود گرفتار یک سوء رفتار روانی یا یک اقدام خشونت آمیز بوده و نشانه هایی از آسیب جسمی و روحی در او مشهود است و شواهدی دال بر این امر وجود دارد، بلافاصله اقدام لازم را جهت جلب اعتماد بزه دیده، ثبت نوع صدمات، اخذ شرح حال و گزارش سریع به مقامات انتظامی و قضایی به عمل آورند. در پذیرش

1. Calhoum

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

فوری بزه دیدگان، متخصص باید در راستای یک کمک محسوس و فوری بسیار موثر و قوی عمل کرده و از هر نوع قضاوت نابجا پرهیز و امر را ساده و پیش پا افتاده تلقی کند (کرد علی وند، ۱۳۷۹، ۴۵).

همچنین اجباری کردن گزارش دادن موارد بزه دیدگی به مراجع صلاحیت دار قضایی به ویژه برای پزشکان، پرستاران و مددکاران اجتماعی را به مراجع صلاحیت دار قضایی می‌توان به منزله یکی از سازوکارهای حمایتی و کاهش دهنده رقم سیاه جرایم علیه بزه دیدگان[۱] پیشنهاد کرد (مهرا، ۱۳۸۳، ۴۵۳).

نتیجه‌گیری

سیاست کیفری ایران در قانون آیین دادرسی کیفری جدیدمصوب ۹۲ به اینگونه است که تلاش شده است تا حاکمیت قانون به گونه یی دقیق تر و کامل تر تامین شودو حقوق بزه دیدگان در فرایند دادرسی کیفری در قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ بخوبی تبیین و تضمین شود بطور مصداقی در تبصره۳ ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی جدید در جرائم غیرعمدی در صورتی که به تشخیص مقام قضائی تضمین حقوق بزه‌دیده به طریق دیگر امکان‌پذیر باشد، صدور قرار کفالت و وثیقه جایز نیست.

بدین‌سان، لزوم حساس سازی حقوق کیفری هم از منظر ماهوی و هم از لحاظ شکلی نسبت به بزه دیدگی ناتوانان ضرورتی انکار ناپذیر است. در این رهگذر می‌توان بر لزوم تقویت سیاست مشارکتی در همه‌ی سطوح تقنینی، قضائی و اجرائی و نیز جرم انگاری های ناظر به جرائم علیه اجرای عدالت تأکید کرد لیکن جدای از مواردی که به آنها اشاره شد در ماده ۱۴ قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، امکان جبران زیان های معنوی شاکی نیز فراهم شده است که دستاوردی مهم برای تامین حقوق بزه دیده است و به رفتار محترمانه با بزه دیده به عنوان یکی از حقوق انسانی- اخلاقی در حقوق کیفری ایران توجه شده است ودر ماده ۳۸ قانون نیز ضابطان دادگستری مکلف به آگاه کردن شاکی از معاضدت های قانونی و حقوقی لازم شده اند.

نگاهی گذرا به قوانین کیفری ایران نشان می‌دهد که نه‌تنها قوانین داخلی با خلأهای بی‌شماری از منظر مقررات حمایتی برای بزه دیده رو به رو هستند، بلکه اساساً قانون‌گذار با وضع مقرراتی متشتت و غیر منسجم، تابعان حقوق کیفری را نیز در درک سیاست کیفری ما نسبت به ناتوان بزه دیده در هاله ای از ابهام قرار داده است. در قانون جدید آیین دادرسی کیفری نیز همین رویه وجود دارد هرچند بزه دیدگان را مورد حمایت قرار داده است ولی حقوق خاص و جداگانه ای برای آن‌ها در نظر نگرفته‌اند. به عنوان مثال

---

۱. یکی از ایرادهایی که به عنوان نقطه ضعف در نظام های حقوقی در جهان امروز وجود دارد و مربوط به مسئله حاضر است بحث رقم سیاه جرم است که یکی از علل آن می تواند عدم تعقیب پرونده ها باشد. در این صورت از طرفی قاضی نمی تواند به این اختیار تصریح شده اش در قانون بی اعتنا بماند و اما از سوی دیگر بحث عدم تعقیب بسیاری از پرونده های مهم پیش می آید. در صورتی که موضوع پرونده ای مهم و حیاتی تلقی گردد قاضی دستور به عدم تعقیب آن نخواهد داد اما باز هم مشکل جایی نمود می یابد که معیارهای دقیقی برای تعیین حدود و ثغور اهمیت وجود ندارد. چه بسا پرونده ای از نظر قاضی بی اهمیت تلقی گردد اما از نظر جامعه مهم و حیاتی محسوب گردد. به واقع معیار تعیین اهمیت ما را به مشکل مواجه خواهد کرد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

تشکیل دادگاه اطفال، ضرورت توجه قانون‌گذار و سیاست قانون‌گذار مبنی بر حمایت افتراقی را نشان می‌دهد. امید است که قانون‌گذاران در تدوین سیاست جنایی خود خلأهای موجود در خصوص بزه دیدگان را از میان بردارد و در حفظ حقوق آن‌ها کوشا باشد.

با توجه به نتایج بدست آمده راه‌کارهای زیر می‌تواند برای دستیابی بزه دیدگان به حقوق خود در حقوق کیفری و رفع خلأهای قانونی راهگشا باشد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

فهرست منابع و مآخذ

ـ اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، نشر میزان، چاپ چهارم، ۱۳۸۱.

ـ ایروانیان امیر و دیگران، کودک آزاری، از علت شناسی تا پاسخ دهی، نشر خرسندی، چاپ اول، ۱۳۸۹.

ـ آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، جلد ۱ تا ۶، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۶.

ـ آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد اول و دوم، نشر سمت، چاپ هشتم، ۱۳۸۶.

ـ آشوری، محمد، عدالت کیفری، نشر گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۶.

ـ خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، نشر شهردانش، چاپ بیست و سوم، ۱۳۹۲.

ـ خانیکی، هادی، قدرت، جامعه مدنی و مطبوعات، نشر طرح نو، چاپ اول، ۱۳۸۱.

ـ محمود صالحی، جان علی، حقوق زیان دیدگان و بیمه شخص ثالث، نشر دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۲.

ـ نسرین، مهرا و داور، زهرا، میثاق حقوق کودک در اسلام از منظر حقوق بشر دوستانه بین المللی، نشر شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۹۱.

ـ نوبهار، رحیم، حمایت حقوق کیفری از حوزه های عمومی و خصوصی، نشر جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۷.

نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، نشر گنج دانش، چاپ چهارم، ۱۳۷۹.

مقالات

ـ آخوندی، محمود، قرار بازداشت موقت، علوم جنایی، مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۳

ـ اردبیلی، محمد، نگهداری تحت نظر، علوم جنایی، مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۳.

ـ رجبی، ابراهیم، درمانگاه بزه دیده و بزه دیده گی و نقش پلیس در آن، فصلنامه دانش انتظامی، سال دوازدهم، شماره اول.

ـ رحیمی نژاد، اسناعیل، حبیب زاده، محمد جعفر، مجازات های نامتناسب، مجازات های مغایر با کرامت انسانی، فصلنامه حقوق، دوره ۳۸، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۷.

ـ زارعت، عباس، گذشت در جرایم قابل گذشت (تحلیل ماده ۲۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری)، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۴، زمستان ۱۳۸۵.

ـ نوربها، رضا، تعدیل شدت مجازات یا تخفیف کیفر، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۳ و ۳۴، بهار تا تابستان ۱۳۸۰.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]